

بررسی واژه‌های فرهنگستان اول*

علی کافی

مقدمه

فرهنگستان ایران که در این مقاله از آن با نام «فرهنگستان اول» یا «فرهنگستان» یاد خواهیم کرد در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۴ ه.ش شروع به کار کرد. هرچند در اساسنامه فرهنگستان وظایف گوناگونی برای این دستگاه ذکر شده بود، اما «نخستین و مهمترین کارآن پیراستن زبان فارسی از واژه‌های بیگانه و وضع واژه‌ها و اصطلاحهای تازه در برابر واژه‌ها و اصطلاحهای خارجی بود.»^۱

فعالیت‌های واژه‌گزینی فرهنگستان اول تا شهریور ۱۳۲۰ ادامه داشت، سپس با وقفه‌ای کوتاه مجدداً این کار از پنجم آبانماه ۱۳۲۰ از سر گرفته شد، اما با این نیت که در واژه‌های مصوب تجدید نظر شود. این کار تا آذرماه ۱۳۲۱ ادامه داشت و از نتایج آن هیچ اطلاعی در دست نیست. پس از این تاریخ کمیسیون‌های واژه‌گزینی تعطیل شد و دیگر هیچگونه فعالیت واژه‌گزینی در این فرهنگستان صورت نگرفت. فرهنگستان اول از برخی جهات برجسته‌ترین سازمان واژه‌گزینی در دهه‌های اخیر بوده است و به لحاظ نفوذ و تأثیر روشها و سیاستهای واژه‌گزینی آن، بررسی و تحلیل واژه‌های فرهنگستان می‌تواند برای مؤسساتی با هدفهای مشابه بسیار سودمند باشد.

هدف این مقاله بررسی واژه‌های مصوب فرهنگستان اول است و امید می‌رود حاصل این بررسی و تحلیل برای آنان که به امر واژه‌گزینی اشتغال دارند مفید باشد.

این مقاله چهاربخش دارد: روش کار در بخش اول تشریح شده است؛ در بخش دوم تحلیل مختصری از واژه‌های رشته‌های مختلف عرضه شده است؛ تحلیل کلی کار واژه‌گزینی فرهنگستان اول موضوع بخش سوم است؛ و سرانجام در بخش چهارم نتیجه این تحلیل عرضه شده است.

۱) روش بررسی

واژه‌های مصوب فرهنگستان اول مرتباً در کتابهایی زیر عنوان واژه‌های نو منتشر می‌شد. آخرین کتاب از این سلسله کتابی است با عنوان واژه‌های نو که تا پایان سال ۱۳۱۹ در فرهنگستان پذیرفته شده است که روی هم شامل حدود ۱۷۰۰ واژه است.^۲ این کتاب سه بار چاپ شده است: بار اول از سوی فرهنگستان اول و بار دوم و سوم در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴ از سوی فرهنگستان زبان ایران (یا به اصطلاح فرهنگستان دوم). در این مقاله، مبنای بررسی واژه‌های فرهنگستان اول، واژه‌های موجود در چاپ سوم واژه‌های نو است که برطبق آنچه در پیشگفتار کتاب آمده تنها «با دگرگونیهای ناچیز از طرف فرهنگستان زبان ایران چاپ افست» شده و لذا با اصل آن تفاوت ندارد.

کتاب واژه‌های نو سه بخش دارد: ۱) واژه‌های نو به ترتیب جدید؛ ۲) ترکیبات عربی؛ و ۳) فهرست واژه‌های نو به ترتیب قدیم. در این بررسی، ما تنها با بخش اول کار داریم. در این بخش، واژه‌های نو به ترتیب الفبایی مرتب شده و برای مشخص شدن رشته‌های مختلف علامتهای اختصاری زیر به کار رفته است:

حاشیه:

* این مقاله در «دومین کنفرانس زبانشناسی نظری و کاربردی» که در دانشگاه علامه طباطبایی (از تاریخ ۱۸ تا ۲۰ فروردین ماه ۱۳۷۱) برگزار شد قرائت شده است.

۱) پیشگفتار فرهنگ تازی به پارسی، به فلم بدیع‌الزمان فروزانفر، صفحه ۱) به نقل از کتاب گزارشی درباره فرهنگستان ایران.
۲) فریدون بدره‌ای در کتاب گزارشی درباره فرهنگستان ایران (تهران، فرهنگستان زبان ایران، ۱۳۵۰، صفحه ۴۵) می‌نویسد که شماره واژه‌های نو فرهنگستان تا شهریور ۱۳۲۰ به حدود ۲۰۰۰ واژه رسید. اما اکنون تنها همان ۱۷۰۰ واژه موجود در کتاب واژه‌های نو در اختیار ماست.

معیار موفقیت فرهنگستان تداول واژه‌های مصوب آن یا به اصطلاح این مقاله «جافتادگی» این واژه‌هاست. به عبارت دیگر، چنانچه واژه‌های برگزیده جافتاده باشند فرهنگستان موفق بوده و در غیراین صورت ناکام بوده است. در این مقاله کار واژه‌گزینی فرهنگستان براساس همین معیار، یعنی «معیار جافتادگی» بررسی و تحلیل شده است.

در آغاز بررسی چنین به نظر می‌رسید که واژه‌ها را می‌توان به دو رده «جافتاده» و «جانيفتاده» تقسیم کرد. اما در ضمن کار معلوم شد که این روش رده‌بندی زمخت است و باید رده‌بندی ظریفتری اختیار کرد. بنابراین رده‌بندی واژه‌ها در این مقاله به ترتیب زیر است:

- جافتاده: واژه‌ای که به صورت انحصاری به کار می‌رود و واژه (یا واژه‌های) مترادف آن به ندرت استعمال می‌شود.
- تقریباً جافتاده: واژه‌ای که هرچند در غالب موارد به کار می‌رود اما گاهی واژه (یا واژه‌های) مترادف آن نیز استعمال می‌شود.
- بینابینی: واژه‌ای که در کنار مترادف (یا مترادفهای) خود و تقریباً به تساوی به کار می‌رود.
- تقریباً جانيفتاده: واژه‌ای که کمتر به کار می‌رود و معمولاً واژه (یا واژه‌های) مترادف آن به کار می‌رود.
- جانيفتاده: واژه‌ای که به کار نمی‌رود یا کاربرد آن بسیار ناچیز است.

مطلب دیگری که ضمن کار با آن مواجه شدیم این است که طی پنجاه سالی که از فعالیتهای واژه‌گزینی فرهنگستان می‌گذرد برخی از مفاهیم مورد نظر فرهنگستان، امروز، موضوعیت خود را از دست داده است و لذا واژه‌های مربوط به این مفاهیم امروزه اصلاً مورد استفاده ندارد. بنابراین لازم بود به رده‌بندی فوق رده دیگری به نام «بی‌مورد» اضافه شود.

بدین ترتیب رده‌بندی واژه‌های مصوب فرهنگستان اول از نظر «جافتادگی» از این قرار است:

- جافتاده
- تقریباً جافتاده (ت. جافتاده)
- بینابینی
- تقریباً جانيفتاده (ت. جانيفتاده)
- جانيفتاده
- بی‌مورد

کار رده‌بندی واژه‌های رشته‌های مختلف برطبق الگوی فوق به کمک متخصصان این رشته‌ها صورت گرفته است. هرچند ممکن است در برخی از موارد متخصصان دیگر نظر دیگری داشته باشند، اما اولاً به گمان ما این موارد ناچیز است و ثانیاً با توجه به اهداف این مقاله از این مقدار خطا می‌توان چشم پوشید. پس از رده‌بندی واژه‌های هر رشته، تعداد واژه‌های هر رده شمارش

- ب = بانک
- پ = پزشکی
- ج = جانورشناسی
- ح = حساب
- د = دادگستری (قضایی)
- ز = زمین‌شناسی
- ش = شهرداری
- ط = طبیعی
- ف = فیزیکی
- گ = گیاهشناسی
- ه = هندسه

تقسیم‌بندی واژه‌ها به رشته‌های مختلف به شیوه فرهنگستان اول دو اشکال عمده دارد: اول اینکه رشته‌های مختلف از زمان فعالیت فرهنگستان تاکنون تغییراتی کرده و مرزهای میان رشته‌ها متمایزتر و دقیقتر شده است. اشکال دیگر، و مهمتر، اینکه در کتاب واژه‌های نو در برابر قریب نیمی از واژه‌ها علامت اختصاری وجود ندارد و معلوم نیست این قبیل واژه‌ها به چه رشته‌ای تعلق دارد. از این رو برای بررسی واژه‌ها لازم بود دوباره تمام واژه‌ها براساس شیوه جدیدی به رشته‌های مختلف تقسیم‌بندی شود. این کار به کمک متخصصان رشته‌های مختلف صورت گرفته، و هرچند ممکن است خطاهای مختصری داشته باشد اما وجود این خطاها تأثیر چندانی در نوع تحلیل و نتیجه‌گیریها ندارد.

رشته‌های مختلفی که در این مقاله واژه‌های فرهنگستان اول براساس آنها تقسیم‌بندی شده به قرار زیر است:

- | | |
|---------------|----------------|
| اداری و کشوری | شهرداری |
| بانکی و تجاری | فیزیک و مهندسی |
| پزشکی | قضایی و حقوقی |
| پیشاهنگی | گیاهشناسی |
| جانورشناسی | متفرقه |
| جغرافی | نظامی |
| ریاضی | ورزش |
| زمین‌شناسی | هواشناسی |

در این تقسیم‌بندی سعی شده است حتی‌الامکان تقسیم‌بندی فرهنگستان اول محفوظ بماند و در عین حال برای واژه‌هایی که قبلاً رشته آنها معلوم نبوده است رشته‌ای تعیین شود. با وجود این باز هم واژه‌هایی وجود داشت که مربوط به رشته خاصی نبود و یا اگر به رشته خاصی مربوط می‌شد تعداد آنها آن‌چنان اندک بود که ترجیح داده شد همگی زیر عنوان «متفرقه» گرد آید.

از آنجا که هدف هر دستگاه واژه‌گزینی، خاصه دستگاهی با اهداف فرهنگستان اول، رواج واژه‌هایی است که تصویب می‌کند، و با توجه به گذشت بیش از نیم قرن از فعالیتهای واژه‌گزینی فرهنگستان،

و درصد آنها نسبت به کل واژه‌های آن رشته (بدون احتساب واژه‌های بی‌مورد) محاسبه شده است.

برای به دست آوردن یک معیار کمی مناسب به منظور تعیین میزان موفقیت فرهنگستان ضریبی به نام ضریب جافتادگی با نماد η (تا) تعریف شده است. برای به دست آوردن این ضریب ابتدا به هر یک از رده‌ها ضریبی (یا وزنی) نسبت داده شده است:

جافتاده: ضریب یا وزن ۴

ت. جافتاده: ضریب یا وزن ۳

بینابینی: ضریب یا وزن ۲

ت. جانيفتاده: ضریب یا وزن ۱

جانيفتاده: ضریب یا وزن ۰

بی‌مورد: خارج از محاسبه

اگر فرض کنیم A تعداد واژه‌های جافتاده، B تعداد واژه‌های ت. جافتاده، C تعداد واژه‌های بینابینی، D تعداد واژه‌های ت. جانيفتاده، E و T تعداد واژه‌های جانيفتاده یک رشته باشد، ضریب جافتادگی (η) عبارت است از:

$$\eta = \frac{4 \times A + 3 \times B + 2 \times C + 1 \times D + 0 \times E}{4 \times \text{کل واژه‌های رشته بدون احتساب واژه‌های بی‌مورد}}$$

ضریب فوق از این جهت بدین گونه تعریف شد که ملاک بررسی تنها واژه‌های جافتاده نباشد و با انتخاب وزن برای سایر رده‌ها اثر آنها در میزان جافتادگی، یا به تعبیر دیگر در میزان موفقیت فرهنگستان، ظاهر شود.

برای روشن شدن این مطلب، محاسبات رشته گیاهشناسی را در نظر بگیرید. کل واژه‌های این رشته ۱۱۷ واژه است. از این تعداد ۸۱ واژه جافتاده، ۷ واژه تقریباً جافتاده، ۴ واژه بینابینی، ۹ واژه تقریباً جانيفتاده، ۸ واژه جانيفتاده است و ۸ واژه امروز موضوعیت خود را از دست داده است و در رده «بی‌مورد» جای دارد. به این ترتیب کل واژه‌ها به استثنای واژه‌های بی‌مورد ۱۰۹ واژه می‌شود، لذا

$$\frac{81}{109} \approx 74\% = \text{درصد واژه‌های جافتاده}$$

$$\frac{7}{109} \approx 6\% = \text{درصد واژه‌های تقریباً جافتاده}$$

$$\frac{4}{109} \approx 4\% = \text{درصد واژه‌های بینابینی}$$

$$\frac{9}{109} \approx 8\% = \text{درصد واژه‌های تقریباً جانيفتاده}$$

$$\frac{8}{109} \approx 7\% = \text{درصد واژه‌های جانيفتاده}$$

و ضریب جافتادگی عبارت است از:

$$\eta = \frac{81 \times 4 + 7 \times 3 + 4 \times 2 + 9 \times 1 + 0 \times 8}{109 \times 4} \approx 0/83$$

۲) بررسی و تحلیل واژه‌های رشته‌های مختلف

به ترتیبی که در بخش ۱ گفته شد، فهرست کاملی از واژه‌های مصوب فرهنگستان اول در رشته‌های مختلف و درصد هر یک از رده‌ها و نیز ضریب جافتادگی در هر یک از رشته‌ها تعیین شد. در این بخش اطلاعات مربوط به هر یک از رشته‌های اشاره شده در بخش ۱ عرضه شده و کار واژه‌گزینی فرهنگستان اول براساس این اطلاعات نقادی و تحلیل شده است. از آنجا که ذکر فهرست کامل واژه‌ها باعث طولانی‌شدن مقاله می‌شود، از این کار صرف نظر شده و تنها به نقل نمونه‌هایی از واژه‌ها در هر یک از رده‌ها اکتفا شده است.^۳

● اداری و کشوری

کل واژه‌ها: ۱۲۸

جافتاده ۸۰ (۶۷٪) نمونه: آیین‌نامه، بایگان،

خبرگزاری، کاربرد از

ت. جافتاده ۲ (۲٪) نمونه: پروانه (جواز)

بینابینی ۱۲ (۱۰٪) نمونه: کارمزد (حق‌العمل)

ت. جانيفتاده ۹ (۷/۵٪) نمونه: گماشتن (نصب)

جانيفتاده ۱۶ (۱۳/۵٪) نمونه: دست‌ورز، دفتر نماینده

بی‌مورد ۹

ضریب جافتادگی $\eta = 0/75$

● بانکی و تجاری

کل واژه‌ها: ۱۳۲

جافتاده ۸۳ (۶۴٪) نمونه: ارز، بدهی،

بستانکار، سررسید،

واخواست

ت. جافتاده ۴ (۳٪) نمونه: پشت‌نویسی (ظهنویسی)

بینابینی ۶ (۵٪) نمونه: گرو (رهن)

ت. جانيفتاده ۲ (۲٪) نمونه: پیش‌بها (بیعانه)

جانيفتاده ۳۵ (۲۷٪) نمونه: بازکرد (افتتاح)، پس‌دست

(معامله نسبه) سپارنده (سپرده‌گذار)،

بازآور (سودآور).

بی‌مورد ۲

ضریب جافتادگی $\eta = 0/69$

دو رشته اداری و کشوری و بانکی و تجاری، به علت شباهتی که دارند، یکجا تحلیل شده‌اند. در این دو رشته با توجه به ضریب جافتادگی، کار واژه‌گزینی فرهنگستان اول نسبتاً موفق بوده است. این

حاشیه:

۳) علاقه‌مندان به داشتن فهرست کامل واژه‌ها می‌توانند با دفتر نشر دانش تماس بگیرند.

۴) اعداد داخل پرانتز درصد هر یک از رده‌ها به کل واژه‌ها را به ترتیبی که در بخش ۱ گفته شد نشان می‌دهند.

امر به دو دلیل است:

۱) رشته‌های اداری و بانکداری رشته‌هایی نو بوده‌اند و بسیاری از مفاهیم آنها قبلاً در فرهنگ ما موجود نبوده و لذا واژه‌ای در مقابل این مفاهیم نیز وجود نداشته است مانند: بازنشسته، بخشدار، پرونده، کارگزینی، باجه، دریافت، پرداخت، و نمایندگی. لذا این دسته از واژه‌ها به خوبی جاافتاده است.

۲) ادارات و بانکها مراکز رسمی و تابع مقررات دولت بوده‌اند و مصوبات فرهنگستان به صورت بخشنامه به آنها ابلاغ می‌شده است و آنها مجبور به استفاده از واژه‌های نو بوده‌اند. بنابراین هرچند واژه‌هایی مانند بخشنامه، بازرس، نامه، بستانکار، و برآورد، مترادفهایی به صورت متحدالمال، مفتش، مرقومه، داین، و تقویم داشته‌اند اما واژه‌های نو فرهنگستان جای آنها را گرفته‌اند.

واژه‌های تقریباً جاافتاده، بینابینی، و تقریباً جانيفتاده به نسبت رشته‌های دیگر کم است و علت اینکه واژه‌های مصوب فرهنگستان اول نتوانسته کاملاً جا بیفتند این است که این مفاهیم در خارج از نظام اداری و بانکی رواج داشته و دارند مانند کار (شغل)، کارمزد (حق‌العمل)، رهن (گرو).

در میان واژه‌های فرهنگستان مصادری نظیر «واخواستن» در رشته بانکداری وجود دارد که این نوع مصادره به این صورت صرف نمی‌شوند. از این مصدر «واخواست» مشتق شده و مصدر مرکب «واخواست کردن» ساخته شده که این مصدر مرکب صرف می‌شود. مشتقات «واخواست» و «واخواه» و «واخوانده»، از مصدر «واخواستن»، هیچ‌کدام به کار نمی‌رود.

از طرف دیگر مصدر «بازکردن» [حساب] در زبان صرف می‌شود اما مصدر مرخم «بازکرد» که فرهنگستان به جای «افتتاح» برگزیده به کار نمی‌رود.

بررسی مصادری که فرهنگستان وضع کرده به نتایج متضادی منجر می‌شود، و این نشان می‌دهد که مسئله مصادره و اشتقاق از آنها در زبان فارسی مسئله پیچیده‌ای است که نیاز به بررسی همه جانبه دارد.

جانيفتاده: ۶۲ (۱۹٪). نمونه: بساويدن (لمس کردن)،

تندوبی (عنكبوتیه).

ضریب جاافتادگی $\eta = 0.67$

قبل از بررسی واژه‌های پزشکی لازم است نکته‌ای در مورد رشته‌های کاربردی مانند رشته پزشکی روشن شود. پزشکان به دلایلی مایلند در محاوره، خاصه در برابر افراد غیر حرفه‌ای، از زبان فنی خاص خود (Jargon) استفاده کنند. از این رو کلمات لاتینی تبار را بر کلمات فارسی ترجیح می‌دهند. اما هم‌اینان چنانچه بخواهند مطلبی را به زبان فارسی بیان کنند، و به خصوص بنویسند، از واژه‌های فارسی بهره می‌گیرند. بنابراین وقتی پزشکان از زبان فنی خاص خود استفاده می‌کنند تقریباً هیچ واژه فارسی را به کار نمی‌برند و بنابراین بحث در مورد جاافتادگی واژه‌های پزشکی در مواردی صدق می‌کند که پزشکان از زبان فنی استفاده نمی‌کنند.

واژه‌های جاافتاده پزشکی به نسبت زیاد است و آنها واژه‌هایی است که در زبان فارسی روزگار فرهنگستان معادلی، حتی به صورت واژه‌های عربی تبار، نداشته‌اند و یا معادل آنها عربی تبار و بسیار مغلق و دشوار بوده است مانند: آهیانه (عظم قحف)، استخوان پس سر (قمحدوه)، بازدم (زفیر)، پیشگیری (تقدم به حفظ صیانت).

واژه‌های بینابینی واژه‌هایی است که معادل آنها در زبان رایج بوده است و لذا واژه پیشنهادی فرهنگستان نتوانسته است کاملاً جای واژه قبلی را بگیرد مانند: آرواره (فک)، جگر (کبد)، گلو (حلق)، زرداب (صفرا).

واژه‌های جانيفتاده واژه‌هایی است که معادل آنها در زبان آن روز کاملاً رایج بوده است مانند: گرده (کلیه)، چنگار (سرطان).

بنابر این در رشته پزشکی واژه‌هایی جا افتاده است که یا معادل نداشته‌اند و یا معادل آنها عربی تبار و مغلق بوده است. اما واژه‌هایی که معادل عربی تبار ساده و جاافتاده داشته است اکنون همراه با معادل خود به کار می‌رود و یا مطلقاً به کار نمی‌رود.

● جانورشناسی

● پزشکی

کل واژه‌ها	۱۰۰
جاافتاده	۶۵ (۶۵٪)
نمونه: آغازیان، جانوران آبی، دوزیست، دگردیسی	
ت. جاافتاده	۱۱ (۱۱٪)
نمونه: پرده‌بالان (بال غشائیان).	
بینابینی	۴ (۴٪)
نمونه: یاخته (سلول).	
ت. جانيفتاده	۸ (۸٪)
نمونه: پرده (غشاء)، زرفین (حلقه).	
جانيفتاده	۱۲ (۱۲٪)
نمونه: سرو (شاخک)، نیام‌بالان (قاب بالان).	
ضریب جاافتادگی	$\eta = 0.77$

کل واژه‌ها:	۳۲۷
جاافتاده:	۱۶۳ (۵۰٪)
نمونه: استخوان پرویزی، بهداشت، چشم‌پزشک، کشت.	
ت. جاافتاده:	۳۶ (۱۱٪)
نمونه: بازتاب (انعکاس)، کاسه‌سر (جمجمه)، سرخ‌رگ (شریان).	
بینابینی:	۴۵ (۱۳/۵٪)
نمونه: آرواره (فک)، پلشت‌بر (ضد عفونی‌کننده).	
ت. جانيفتاده:	۲۱ (۶/۵٪)
نمونه: زهره (کیسه صفرا)، سرخ‌نای (مری).	

● گیاهشناسی

تغییر نام غیر فارسی شهرها، رودها، و غیره و تبدیل آنها به نامهای فارسی. ۲) انتخاب نام برای اماکن جدیدالاحداث (عمدتاً ایستگاههای راه آهن). شهرها و رودخانه‌هایی که فرهنگستان اول نام آنها را تغییر داده است عمدتاً در کردستان، خوزستان، آذربایجان، و منطقه ترکمن‌نشین حوالی گرگان است.

فرهنگستان اول در تغییر نام شهرها و رودخانه‌های بزرگ مانند خرمشهر، مهاباد، آبادان، سفیدرود کاملاً موفق بوده است. نامهای انتخاب شده برای ایستگاههای راه آهن کاملاً جافتاده است.

نامهای بینابینی نامهایی است که هم‌اکنون هم نام قدیمی آن به کار می‌رود و هم نام جدید آن. مثلاً نام قدیم بر مرکز یک ناحیه و نام جدید بر همه آن ناحیه اطلاق می‌شود. نمونه آن «شاهین‌دژ» است که فرهنگستان آن را در برابر «صاین قلعه» قرار داده و امروزه ناحیه را «صاین قلعه» و مرکز آن را «شاهین‌دژ» می‌نامند.

فرهنگستان اول در تغییر نام مکانهای جغرافیایی کوچک مانند دهات و رودخانه‌های کوچک محلی موفق نبوده است. نمونه‌هایی از این موارد عبارت است از: پارسا (ابوالؤمن)، آلا (ایلو)، مهران رود (میدان جای).

● ریاضی

کل واژه‌ها ۱۳۳
جافتاده ۲۲ (۱۸٪) نمونه: آمار، میانه، نیمساز
ت. جافتاده ۲ (۲٪) نمونه: پایه (مینا)
بینابینی ۲۷ (۲۲٪) نمونه: برخورد (تقاطع)، کمان (قوس)
ت. جانيفتاده ۱۶ (۱۳٪) نمونه: گوشه (زاویه)، پهلو (ضلع)
جانيفتاده ۵۷ (۴۶٪) نمونه: آسه (محور)، پیکر (رقم)، زه (وتر)

● بی‌مورد

ضریب جافتادگی $\eta = 0/33$

واژه‌های ریاضی فرهنگستان پیش از این به صورت مستقل تحلیل شده است و حاصل آن به صورت مقاله‌ای در نشر دانش (شماره اول، سال دهم) به چاپ رسیده است. نتیجه این تحلیل این است که واژه‌های مصوب فرهنگستان اول در رشته ریاضی از نظر جافتادگی بسیار ناموفق بوده است و دلیل اصلی آن این است که عمده کوشش فرهنگستان صرف حذف واژه‌های عربی رایج و جافتاده شده است.

● زمین‌شناسی

کل واژه‌ها ۱۰۱
جافتاده ۴۴ (۴۸٪) نمونه: آبفشان، چین، رگه، فرسایش، گسل
ت. جافتاده ۴ (۴٪) نمونه: آواری
بینابینی ۷ (۸٪) نمونه: ته‌نشست، ژرفا

کل واژه‌ها ۱۱۷
جافتاده ۸۱ (۷۴٪) نمونه: بازدانگان، پرچم، تک‌لپه، جام، دیهیم، گرده، کلالة
ت. جافتاده ۷ (۶٪) نمونه: بیاله
بینابینی ۴ (۴٪) نمونه: تیره (خانواده)، گشنگیری (لقاح)
ت. جانيفتاده ۹ (۸٪) نمونه: تندیدن (جوانه‌زدن)، گشنیدن (آمیختن نرماده)
جانيفتاده ۸ (۷٪) نمونه: آگنه، تنده (جوانه)
بی‌مورد ۸
ضریب جافتادگی $\eta = 0/83$

واژه‌های مصوب فرهنگستان در دو رشته جانورشناسی و گیاهشناسی از نظر جافتادگی بسیار موفق بوده‌اند. علت اصلی موفقیت فرهنگستان در این دو رشته این است که اغلب واژه‌های پیشنهادی آن قبلاً معادل نداشته‌اند.

با نگاهی به واژه‌های جانيفتاده و تقریباً جانيفتاده این دو رشته این نتیجه به دست می‌آید که کوشش برای حذف واژه‌های عربی رایج حلقه، حلقوی، غشا، لقاح و قراردادن واژه‌های زرفین، زرفینی، پرده، گشنیدن به جای آنها موفق نبوده است و هنوز واژه‌های عربی رایج به کار می‌رود.

جافتادگی کامل واژه‌های کلالة، هاگ، و دگردیسی که در زمان خود واژه‌های غیر شفافی بوده‌اند حکایت از آن دارد که اصل شفایت معادلها را که از اصول مورد بحث در واژه‌گزینی است می‌توان نادیده گرفت.

● جغرافیا (نام شهرها و اماکن)

کل واژه‌ها ۱۱۹
جافتاده ۵۷ (۵۵٪) نمونه: آبادان، آیرین، سفیدرود، میانه
ت. جافتاده ۰ (۰٪)
بینابینی ۱۳ (۱۲/۵٪) نمونه: سیمین رود (طاطا توچای)
ت. جانيفتاده ۱ (۱٪) نمونه: خاور (شرق)
جانيفتاده ۳۳ (۳۲٪) نمونه: خدایار (الهی‌ار)، سیاه‌چر (قره‌چر)، مهران رود (میدان جای)

پیدا نشد یا با تغییر جافتاده ۱۵

ضریب جافتادگی $\eta = 0/62$

کار واژه‌گزینی فرهنگستان اول در رشته جغرافیا عبارت بوده است از: ۱)

بر شهرداری رواج یافته است. واژه‌های آشکوب، خیز، پالگانه که از واژه‌های جانيفتاده و يا تقريباً جانيفتاده‌اند نتوانسته‌اند جای واژه‌های طبقه، ارتفاع، و بالکن را که از واژه‌های متداول نزد عموم‌اند و در واقع در حوزه کاربرد غير رسمي قرار دارند بگیرند.

ت. جانيفتاده ۱۳ (٪۱۴) نمونه: خارا، سنگواره، رميدن
جانيفتاده ۲۴ (٪۲۶) نمونه: پلمه، زبره سنگ
بی مورد ۹
ضريب جانيفتادگی $\eta = 0/58$

● فيزيك و مهندسی

كل واژه‌ها ۱۶۷
جانيفتاده ۳۸ (٪۲۳) نمونه: آشكارسازی، بازده، بردار، چگال، نیرو
ت. جانيفتاده ۱۹ (٪۱۲) نمونه: بازتابش (انعكاس)، گرانيفگاه (مرکز نقل)
بينابینی ۳۳ (٪۲۰) نمونه: بسامد (فرکانس)، ربایش (جذب)
ت. جانيفتاده ۱۸ (٪۱۱) نمونه: مالش (اصطكاك)، ريزبين (ميكروسكپ)
جانيفتاده ۵۵ (٪۳۴) نمونه: چنگ (كلاج)، سرون (آنتن)، غند (جرم)

● بی مورد ۴

ضريب جانيفتادگی $\eta = 0/45$

● هواشناسی

كل واژه‌ها ۳۳
جانيفتاده ۱۱ (٪۳۴) نمونه: بادسنج، رگبار، گردباد
ت. جانيفتاده ۷ (٪۲۲) نمونه: آشفتگی، نمناك
بينابینی ۲ (٪۶) نمونه: توف
ت. جانيفتاده ۲ (٪۶) نمونه: ريزبار
جانيفتاده ۱۰ (٪۳۱)

● بی مورد ۱

ضريب جانيفتادگی $\eta = 0/55$

واژه‌های جانيفتاده در رشته‌های فيزيك، مهندسی، و هواشناسی به نسبت كم است. علت جانيفتادگی اين تعداد نیز اين است که يا مانند شتاب (acceleration) معادل نداشته‌اند يا معادل عربي آنها چندان جانيفتاده و ساده نبوده است. واژه‌های عربي ساده و جانيفتاده يا جای خود را به واژه‌های پيشنهادهی فرهنگستان نداده‌اند، مانند جرم (غند)، و يا به تساوی با واژه پيشنهادهی فرهنگستان به کار می‌روند، مانند رطوبت (نم)، و يا بیشتر همان واژه‌های عربي استفاده می‌شود، مانند حرکت (جنبش) و بخار (دمه).

واژه‌های فنی مانند كلاج، آنتن، و آسانسور که قبل از فرهنگستان وارد زبان شده بودند جای خود را به چنگ، سرون، و بالارو نداده‌اند. بنابراین، علت عدم موفقیت فرهنگستان در رشته‌های فوق به صورت خلاصه عبارت است از:

۱) کنارگذشتن بی مورد واژه‌های ساده و جانيفتاده عربي، مانند

در رشته زمین شناسی آن دسته از واژه‌ها که قبلاً معادل فارسی يا حتی عربي نداشته جانيفتاده است. کلمات عربي رایجی مانند استخراج و طبقه جای خود را به برهختن و آشکوب نداده‌اند. کلمات فارسی ته‌نشست، ژرفا، و کانی نیز نتوانسته است جای کلمات عربي رایج رسوب، عمق، و معدنی را به طور کامل بگیرد. نامهای برگزیده برای سنگها جانيفتاده و اين نشان می‌دهد که تلاش در جهت انتخاب واژه فارسی برای اين نوع اسامی، که امروزه تعداد آنها بسيار زياد است، بيهوده است.

● سیاسی

كل واژه‌ها ۲۱
جانيفتاده ۱۳ (٪۶۲) نمونه: استوارنامه، فراخواندن، كاردار
ت. جانيفتاده ۱ (٪۵) نمونه: گذرنامه (پاسپورت)
بينابینی ۱ (٪۵) نمونه: رايزنی (مشاوره)
ت. جانيفتاده ۱ (٪۵) نمونه: رواديد (ويزا)
جانيفتاده ۵ (٪۲۴) نمونه: روانامه، سازش.
ضريب جانيفتادگی $\eta = 0/69$

واژه‌های رشته سیاسی عمدتاً در وزارت امور خارجه به کار می‌رود و به سبب نظام اداری حاکم درصد واژه‌های جانيفتاده نسبتاً زياد است.

قرار گرفتن واژه گذرنامه در رده «تقریباً جانيفتاده» و رواديد در رده «تقریباً جانيفتاده» - هرچند هر دو واژه در نظام اداری کاملاً جانيفتاده است - حاکی از تفاوتی است که میان زبان رسمي و زبان غير رسمي وجود دارد.

● شهرداری

كل واژه‌ها ۲۰
جانيفتاده ۸ (٪۴۷) نمونه: آتش نشان، راهنمایی و رانندگی، شهرداری
ت. جانيفتاده ۰ (٪۰)
بينابینی ۱ (٪۶)
ت. جانيفتاده ۲ (٪۱۲) نمونه: آشکوب (طبقه)
جانيفتاده ۶ (٪۳۵) نمونه: پالگانه (بالکن)، خيز (بلندی طاق در ساختمان)

● بی مورد ۳

ضريب جانيفتادگی $\eta = 0/56$

واژه‌های جانيفتاده واژه‌هایی است که به سبب نظام اداری حاکم

درجه (زینه) و جرم (غند):

۲) عدم اقدام به موقع برای جلوگیری از ورود واژه‌های بیگانه،
خاصه واژه‌های رشته‌های فنی که به سرعت وارد زبان می‌شود.

مناسب نداشته‌اند مانند: روش (متد)، مردم‌شناسی (آنتروپولوژی)،
هنرپیشه (آرتیست)، دفترچه (دفتر کوچک)؛ و یا اینکه واژه فارسی
بسیار روانتر و مأنوس‌تر از واژه عربی بوده است مانند راه (طریق و
شارع)، نانوا (خباز).

● قضایی و حقوقی

کل واژه‌ها:	۸۵
جافتاده:	۳۸ (٪۴۶)
ت. جافتاده:	۱ (٪۱)
بینابینی:	۲۸ (٪۳۴)
ت. جانيفتاده:	۱ (٪۱)
جانيفتاده:	۱۴ (٪۱۷)
بی‌مورد:	۳
ضریب جافتادگی	$\eta = ۰/۶۵$

واژه‌های قضایی چون مورد استفاده یک سازمان دولتی بوده
است قاعدتاً باید جا می‌افتاد. بررسی واژه‌های رشته قضایی و حقوقی
نشان می‌دهد که غالب واژه‌های جافتاده روانتر از واژه‌های عربی
قبلی هستند مانند: پژوهش خواسته (مستأنف عنه)، پژوهش خوانده
(مستأنف علیه)، فرجام خوانده (مستدعی علیه تمیز).

آن دسته از واژه‌های عربی که امروز تقریباً به اندازه واژه فارسی
مترادف خود به‌کار می‌روند قبلاً کاملاً رایج بوده‌اند و ساده نیز هستند
مانند: بزه (جرم)، کیفر (مجازات).

واژه‌های جانيفتاده واژه‌هایی هستند که هیچ‌یک از نظر معنی و
وضوح بر واژه عربی برتری ندارند مانند: استوار کردن (تأیید، تنفیذ) و
خستو (مقر).

● متفرقه

کل واژه‌ها:	۹۵
جافتاده:	۲۶ (٪۲۷)
ت. جافتاده:	۶ (٪۶)
بینابینی:	۲۹ (٪۳۰)
ت. جانيفتاده:	۱۴ (٪۱۵)
جانيفتاده:	۲۰ (٪۲۱)
ضریب جافتادگی	$\eta = ۰/۵۱$

در میان واژه‌های جافتاده، برخی قبلاً معادل فارسی یا عربی

واژه‌های بینابینی واژه‌هایی است که واژه پیشنهادی فرهنگستان،
که معمولاً فارسی تبار است، و واژه مترادف، که معمولاً عربی تبار
است، هر دو در زبان وجود داشته است و اکنون نیز هر دو به کار
می‌رود، مانند: اندیشه (فکر)، گرانها (قیمتی)، گنجه (قفسه). اگر غرض
فرهنگستان حذف معادل عربی بوده است به این هدف دست نیافته
و ناموفق بوده است.

● نظامی

کل واژه‌ها:	۷۳
جافتاده:	۵۳ (٪۸۵)
ت. جافتاده:	۳ (٪۵)
بینابینی:	۱ (٪۲)
ت. جانيفتاده:	۰ (٪۰)
جانيفتاده:	۵ (٪۸)
بی‌مورد:	۱۱
ضریب جافتادگی	$\eta = ۰/۹۰$

● پیشاهنگی

کل واژه‌ها:	۲۴
بی‌مورد:	۲۴

(تقریباً تمام واژه‌های پیشاهنگی تا زمانی
که این تشکیلات وجود داشته به کار
می‌رفته است).

امروزه به سبب از بین رفتن تشکیلات پیشاهنگی، واژه‌های مصوب
فرهنگستان در این رشته موضوعیت خود را از دست داده‌اند. اما
به سبب شباهتهای دو سازمان پیشاهنگی و نظامی، تحلیل زیر که
در مورد واژه‌های نظامی است در مورد سازمان پیشاهنگی نیز صدق
می‌کند.

غیر از ۱۱ مورد واژه بی‌مورد، از ۶۲ واژه نظامی پیشنهادی
باقی مانده، ۵۳ مورد با نسبت ٪۸۵ جافتاده است. این امر و نیز
ضریب جافتادگی ۰/۹۰ نشان می‌دهد که واژه‌های نظامی مصوب
فرهنگستان کاملاً موفق بودند.

تعداد واژه‌های تقریباً جافتاده، بینابینی، تقریباً جانيفتاده، و
جانيفتاده بسیار کم است مانند زرادخانه که به جای قورخانه پیشنهاد
شده بود. البته امروزه قورخانه را به کار نمی‌برند ولی زاغه مهمات و

رشته	کل	جافتاده	ت. جافتاده	بینابینی	ت. جانيفتاده	جانيفتاده	بی مورد	η
نظامی	۷۳	۵۳	۳	۱	۰	۵	۱۱	۰/۹۰
گیاهشناسی	۱۱۷	۸۱	۷	۴	۹	۸	۸	۰/۸۳
جانورشناسی	۱۰۰	۶۵	۱۱	۴	۸	۱۲		۰/۷۷
اداری و کشوری	۱۲۸	۸۰	۲	۱۲	۹	۱۶	۹	۰/۷۵
بانکی و تجاری	۱۳۲	۸۳	۴	۶	۲	۳۵	۲	۰/۶۹
سیاسی	۲۱	۱۳	۱	۱	۱	۵		۰/۶۹
پزشکی	۳۲۷	۱۶۳	۳۶	۳۵	۲۱	۶۲		۰/۶۷
قضایی و حقوقی	۸۵	۳۸	۱	۲۸	۱	۱۴	۳	۰/۶۵
جغرافیا	۱۱۹	۵۷	۰	۱۳	۱	۳۳	۱۵*	۰/۶۲
زمین شناسی	۱۰۱	۴۴	۴	۷	۱۳	۲۴	۹	۰/۵۸
شهرداری	۲۰	۸	۰	۱	۲	۶	۳	۰/۵۶
هواشناسی	۳۳	۱۱	۷	۲	۲	۱۰	۱	۰/۵۵
متفرقه	۹۵	۲۶	۶	۲۹	۱۴	۲۰		۰/۵۱
فیزیک و مهندسی	۱۶۷	۳۸	۱۹	۴۳	۱۸	۵۵	۴	۰/۴۵
ریاضی	۱۳۳	۲۲	۲	۲۷	۱۶	۵۷	۹	۰/۳۳
ورزش	۲۹	۵	۰	۱	۰	۲۳		۰/۱۹
پیشاهنگی	۲۴						۲۴	
جمع	۱۷۰۳	۷۸۸	۱۰۳	۲۱۴	۱۱۷	۳۸۳	۹۸	۰/۶۳

* پیدا نشده یا با تغییراتی جافتاده

انبار مهمات گاه به کار می رود و زرادخانه معنی خاصتری یافته است. کرجی نیز نتوانسته است کاملاً جای قایق را بگیرد. واژه های جانيفتاده نیز آن چنان دور از ذهن بوده است که هیچ یک نتوانسته است جای واژه عربی رایج را بگیرد، مانند تخشای ارتش (صنایع نظامی) و کرو (قایق پارویی).

● ورزش

- کل واژه ها: ۲۹
- جافتاده: ۵ (۱۷٪) نمونه: داور، خطا، پیش بر
- ت. جافتاده: ۰ (۰٪)
- بینابینی: ۱ (۳٪) نمونه: زدن (ضربه)
- ت. جانيفتاده: ۰ (۰٪)
- جانيفتاده: ۲۳ (۷۹٪) نمونه: بیرون (out)، پیشرو (forward)، گوشه (corner)

ضریب جافتادگی $\eta = ۰/۱۹$

کار فرهنگستان در زمینه ورزش محدود به دو رشته اسب دوانی و فوتبال است. از میان واژه های جافتاده، دو واژه داور و خطا اکنون در تمام زمینه های ورزشی جافتاده است. سه واژه جافتاده دیگر مربوط به رشته اسب دوانی است: پی بر، پیش بر، آغازگر.

واژه های پیشنهادی فرهنگستان در رشته فوتبال هیچ یک جا نیفتاده است، هر چند واژه های مناسب و زیبایی بوده اند مانند تاوانگاه (penalty area)، پشتیبان (back) و گوشه (corner). جانيفتادن واژه های فوتبال دو دلیل دارد: (۱) نبودن یک سازمان برای رواج این واژه ها؛ (۲) هرج و مرج حاکم بر رسانه های گروهی مانند روزنامه ها و مجلات و رادیو و تلویزیون و رواج اصطلاحات فرنگی در این وسایل.

۳) بررسی و تحلیل کلی

برای تحلیل و بررسی کلی، رشته ها برحسب ضریب جافتادگی η (اتا) در جدول ضمیمه مرتب شده اند. با توجه به این جدول، خلاصه تحلیل واژه های فرهنگستان به شرح زیر است:

واژه های رشته نظامی از نظر جافتادگی در رأس جدول قرار دارند. البته واژه های رشته پیشاهنگی امروزه کاربرد ندارند، ولی واژه های این رشته نیز در زمان خود از نظر جافتادگی نظیر واژه های نظامی بوده اند.

در رأس بودن واژه های نظامی نشان می دهد که یکی از شرط های جافتادن و رواج واژه ها داشتن نفوذ و قدرت برای ترویج آنها و اجبار دیگران به استفاده از آنهاست.

- قرارگرفتن دو رشته گیاهشناسی و جانورشناسی در ردیف های دوم و سوم جدول نشان می دهد که در زمینه هایی که اجباری وجود ندارد، مانند رشته های علمی، نیز می توان کاملاً موفق بود. با توجه به تحلیل واژه های این دو رشته در بخش ۲ نتیجه می گیریم که شرط موفقیت در رشته های علمی این است که واژه های پیشنهادی قبلاً معادل فارسی و یا عربی تبار مانوس نداشته باشند.

- قرارگرفتن رشته های اداری، بانکی، سیاسی، در ردیف های چهارم تا ششم و رشته قضایی در رده هشتم نشان می دهد که واژه های مربوط به مؤسسات تابع دولت، حتی اگر مترادف عربی تبار داشته باشند، جا می افتند. البته اگر واژه های مربوط به این رشته ها کاربرد همگانی داشته باشند امکان موفقیت کم خواهد شد.

- قرارگرفتن رشته پزشکی در ردیف نسبتاً بالای جدول (ردیف

هفتم) حکایت از آن دارد که اکنون دیگر واژه‌های عربی و مغلق که در رشته پزشکی آن دوران رایج بوده‌اند جایی در زبان فارسی امروزه ندارند.

- تغییر نام اماکن جغرافیایی کوچک و محلی و عدم موفقیت در این امر باعث شده است رشته جغرافیا در اواسط این جدول قرار گیرد. حال آنکه فرهنگستان در تغییر نام اماکن جغرافیایی بزرگ کاملاً موفق بوده است.

- واژه‌های رشته فیزیک، هواشناسی، و مهندسی از نظر جاافتادگی نسبتاً ناموفق بوده‌اند. دلیل این مطلب تلاش فرهنگستان برای حذف واژه‌های ساده عربی مانند جرم و نیز عدم اقدام به موقع برای یافتن معادل برای واژه‌های فنی مانند آنتن و کلاچ بوده است.

- واژه‌های ریاضی مصوب فرهنگستان از ناموفق‌ترین واژه‌ها بوده است زیرا بیشترین کوشش فرهنگستان در این رشته صرف یافتن معادل برای واژه‌های کاملاً مأنوس اما عربی تبار شده است.

- رشته ورزش در انتهای جدول قرار دارد و این به دلیل عدم نفوذ فرهنگستان اول بر رسانه‌های همگانی و هرج و مرج حاکم بر این رسانه‌ها در کاربرد واژه‌هاست.

- در زبان فارسی امروزی بین زبان گفتاری و زبان نوشتاری از نظر کاربرد واژه‌ها تفاوت وجود دارد. زبان نوشتاری تنگدلی بیشتری نسبت به استفاده از واژه‌های استاندارد دارد و زبان گفتاری تبعیت چندانی از قواعد استاندارد سازی زبان نمی‌کند.

- رواج زبانهای فنی خاص (Jargon) در رشته‌هایی نظیر پزشکی و مهندسی تأثیر نامطلوبی بر استاندارد کردن واژه‌ها دارد.

- واژه‌های عربی تبار مغلق، خاصه آنها که ساختار غیر فارسی دارند، رفته‌رفته از زبان امروزی خارج می‌شوند.

- در کار ساختن معادل برای اصطلاحهای بیگانه‌ای که معادل فارسی یا عربی رایج ندارند می‌توان شفاف بودن معادل فارسی را نادیده گرفت.

- تغییر واژه‌های علمی جاافتاده لاتینی تبار به همان دشواری تغییر واژه‌های رایج عربی تبار است.

- نامهای بین‌المللی نظیر نام سنگها را می‌توان به همان صورت پذیرفت و تلاش برای انتخاب نام فارسی برای آنها معمولاً با ناکامی قرین می‌شود.

- فراورده‌های صنعتی با ورود به کشور نام خود را نیز به همراه می‌آورند و چنانچه اقدام به موقع برای انتخاب معادل فارسی برای آنها نشود واژه بیگانه به سرعت رواج می‌یابد.

- از مقایسه روشها و سیاستهای سازمانهای واژه‌گزینی پس از فرهنگستان اول با روشها و سیاستهای این فرهنگستان به این نتیجه می‌رسیم که فرهنگستان اول تأثیر عمیقی بر سازمانهای واژه‌گزینی پس از خود داشته است.

۴) نتیجه

محمدعلی فروغی معتقد بوده‌است که زبان فارسی زمان او یک «عیب» و یک «نقص» دارد:

○ عیبش این است که بیش از حد با واژه‌های بیگانه، خاصه عربی، آمیخته است.

○ نقصش این است که برای اصطلاحات نوین علمی معادل فارسی ندارد.

توصیه او به فرهنگستان این بود که بکوشد تا «عیب» و «نقص» زبان فارسی را مرتفع سازد. تحلیل واژه‌های فرهنگستان اول در این مقاله نشان داد که فرهنگستان آنجا که کوشیده است نقص زبان را برطرف کند کاملاً موفق بوده است (نمونه: واژه‌های رشته‌های گیاهشناسی و جانورشناسی). اما برای رفع عیب زبان آنجا که کاملاً نفوذ داشته (نمونه: واژه‌های نظامی) کاملاً موفق بوده،

و آنجا که از نفوذ نسبی برخوردار بوده (نمونه: واژه‌های اداری و بانکی) تا حدودی موفق بوده و آنجا که نفوذ نداشته (نمونه: واژه‌های ریاضی) کاملاً ناموفق بوده است.

باری، امروزه با گذشت بیش از نیم قرن از دوران فرهنگستان اول باز هم می‌توان گفت که زبان فارسی همچنان «عیبی» و «نقصی» دارد:

○ عیبش این است که بیش از حد با واژه‌های بیگانه، خاصه واژه‌های لاتینی تبار، آمیخته است.

○ نقصش این است که در مقابل اصطلاحات روزافزون علمی لاتینی تبار معادل فارسی ندارد.

از بررسی واژه‌های فرهنگستان اول به این نتیجه رسیدیم که رفع عیب زبان بسیار دشوارتر از رفع نقص آن است؛ پس، همه ما، از جمله فرهنگستان نوپیدا، باید بکوشیم تا به رفع نقص امروز زبان بپردازیم تا نقص امروز عیب فردا نشود.

سیاسگزاری

در تهیه این مقاله (بویژه در زمینه طبقه بندی و رده بندی واژه‌ها) استادان، همکاران، و متخصصان بسیاری به من یاری رسانده‌اند که بدین وسیله مراتب قدردانی و سپاس خود را از همه این بزرگواران اعلام می‌دارم.